

---

## تحول کشاورزی در اروپای مرکزی و شرقی جهت دادن به ساختار تعاونی در کشورهای منتخب اروپای شرقی

---

تهیه شده در سازمان کشاورزی و خواربار جهانی (فائو)

ترجمه ماندانا جلالی نایینی

### چشم انداز

امروزه کشورهای لهستان، مجارستان، یوگسلاوی و آلمان شرقی در مرحله انتقال از سیستم اقتصاد متمرکز به اقتصاد بازار، با تحولات اساسی و سازمان یافته‌ای در تمام بخشهای اقتصادی خود روبه‌رو شده‌اند. به منظور کمک به مشکل بازسازی، سازمان فائو (خواربار و کشاورزی ملل متحد) به چهار کارشناسی ملی، مأموریت داد تا چهار گزارش موضوعی درباره هدایت کشاورزی کشورهای لهستان، مجارستان، یوگسلاوی و آلمان شرقی تهیه کنند.

تا چندی پیش تمام ساختار کشاورزی این کشورها تنها یک مسیر منظم را دنبال می‌کرد و آن هم رسیدن به هدفها و تحقق برنامه‌ریزیهای دولت یا بهتر بگوییم حزب کمونیست این کشورها بود. بخش کشاورزی به گونه‌ای سازماندهی شده بود که موجبات رسیدن به خودکفایی در زمینه مواد غذایی و صنعتی شدن را به سرعت فراهم کرده و زمینه‌های تجارت به صورت تولید محصولات کشاورزی را نه تنها با کشورهای بلوک شرق هم‌پیمان بلکه به کشورهای اروپایی عضو بازار مشترک نیز گسترش دهد. این هدفها و تفکر ناشی از ایدئولوژی حاکم زارع را

همردیف با کارگر قرار می‌داد، به جای مزارع کوچک دهقانی بر تشکیل مجتمعات بزرگ کشاورزی مطابق با الگوی شوروی سابق تکیه داشت. مزارع دولتی با پیروی از الگوی سوخوز Sovkhoz شوروی و مزارع گروهی به دنبال الگوی کولخوز Kolkhoz به وجود آمد. در مزارع دولتی، کشاورزان به صورت کارگر روزمزد در مزارع کار می‌کردند. مزارع گروهی با ادا اراضی دهقانان و ایجاد مجتمعات کشاورزی به وجود آمد. در تئوری هر کشاورز عضو در تصمیم‌گیریهای مزرعه گروهی با داشتن حق رأی سهم بود. گاهی نیز زمین به اسم صاحبان عضو باقی می‌ماند. ولی عملاً این مزارع به وسیله مدیرانی اداره می‌شد که تصمیمات و برنامه‌ریزیهای دولت یا حزب مرکزی را دنبال می‌کردند.

در این کشورها تعاونیهای خودمختار یا وابسته به دولت به وجود آمد که کمکهایی از قبیل تهیه مواد اولیه، خدمات تولید، توزیع و فروش را در اختیار مزرعه‌داران خصوصی و مزارع دولتی/گروهی قرار دهد.

با گذشت زمان، تعاونیها بیش از اندازه رشد کرد. به منظور مبارزه با بی‌کاری، تعاونیها حق اخراج کارمندان خود را نداشتند. بنابراین با از هم پاشیدن COMECON (بازار مشترک کشورهای کمونیست هم‌پیمان) کشاورزی در این منطقه دچار بحران عمیقی شد. دولت‌های جدید این کشورها پرداخت سوبسید و انجام کمکهای مالی را متوقف کردند. تقاضا، به دلیل کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان سیر نزولی پیدا کرده است و از طرفی تولیدات شرق اروپا باید با محصولات کشاورزی مرغوبتر غربی نیز رقابت کند. بازسازی بخش کشاورزی از تأمین نهاده تا تولید و توزیع و فروش بسیار پیچیده است و نیاز به نگرش دقیق و حساس دارد. با پایین بودن میزان تقاضا، تولید را هم باید پایین نگه داشت. خطر دیگر بی‌کاری عظیم در سطح روستاست.

در تحول اخیر تأکید فراوان بر باز پس دادن حق مالکیت شده است. ولی خصوصی کردن به تنهایی برای به وجود آوردن بخش کشاورزی پویا و سودمند، کافی نیست. کشاورزان این کشورها در بازار با وضع وخیمی مواجهند. آنها باید بذر، کود، ماشین‌آلات و غیره را تهیه کرده و بازاریابی کنند در گذشته این خدمات به وسیله مؤسساتی صورت می‌گرفت که اکنون در حال انحلالند.

دوران تحول به کشاورز امکان می دهد که شبکه های واقعی تعاونی در جهت رسیدن به نیازهای خود را ایجاد کند. تنها مدت کوتاهی لازم است تا تجار، عمده فروشان و واسطه ها با اعلام قیمت های بالاتر، ارائه همان خدمات سابق را از سرگیرند. کشاورزان این مناطق در برابر رقبای غربی خود که از حمایت های بزرگ مالی برخوردارند. شدیداً محتاج روش های افزایش کارایی و کاهش هزینه ها یا به عبارت دیگر نیازمند به تعاونی های حقیقی هستند. از نظر فائو کمک به تعاونیها اگر از نگرش کلی سیستم پیروی نکند. فاقد ارزش است. این گونه کمکها باید از سه عامل پیروی کند:

(۱) تبدیل تعاونی های دولتی به تعاونی های خصوصی که از طریق اعضا اداره می شوند (۲) افزایش قابلیت تعاونی حقیقی با روش های مرکب سازی، جداسازی و افزایش خدمات به اعضا. (۳) ایجاد تعاونی های ساده اولیه که از طریق اعضا اداره می شوند.

کشاورزان می توانند خود با کمی کمک و آموزش پیرامون مزایا و سود تعاونی های آزاد (دمکراتیک) متحد شوند و تعاونی های ساده تشکیل بدهند. در مرحله بعد تعاونی های اولیه نیازمند ساختار خدماتی بالاتری خواهند بود. که از طریق اتصال به شبکه های وسیعتر می توانند قدرت تأثیر میزان اعتبار را افزایش داده و از عهده هزینه های بالای مدیریت حرفه ای برآیند. در اروپای شرقی بهره برداری از شبکه های باقیمانده مؤسسات و تبدیل تدریجی آن به سیستمی که واقعاً از طریق اعضا اداره می شود با هدف نهایی رساندن حداکثر سود به اعضا در مقابل بازار، عاقلانه جلوه می کند. تجربیات فائو نشان می دهد چنین هدفی یکروزه حاصل نمی شود.

عامل مهم در نگرش فائو بر توسعه تعاونی های نوپا مدیریت آموزش دیده حرفه ای با حقوقی کافی است. نقش دائم مدیر به هنگام فعالیت در جای اعضای تعاونی، جستجو برای یافتن راه های جدید برای افزایش درآمد و سطح خدمت به اعضای تعاونی است. تعاونی های کوچک ساده کشاورزی تنها می توانند با اتحاد عهده دار مخارج چنین مدیریتی باشند.

عامل مهم دیگر در نگرش فائو آموزش است که باید در کلیه سطوح دولتی، مدیریتی و در میان اعضا وجود داشته باشد.

در این میان نباید خواست های کشاورز را به فراموشی سپرد. سیستم سوسیالیستی با وجود کمبودهایی در امر خدمات تولید کشاورزی توانست تا حد مطلوبی موجب رفاه و آسایش

کارگران شود. آنها اگر چه حقوق پائینی دریافت می‌کردند. ولی خدماتی از قبیل تهیه مسکن، تحصیل فرزندان، کودکستان، خدمات بهداشتی - درمانی و غیره را به طور رایگان و یا بسیار ارزان دریافت می‌کردند همچنین خدمات نخستین مانند مرخصی، حقوق بازنشستگی و غیره را در اختیار داشتند. سوالی که در اینجا مطرح است این است که سیستم جدید برای او چه تسهیلاتی را فراهم خواهد کرد؟ آیا خدماتی از این قبیل در اختیار وی قرار خواهد گرفت؟ در صورت مثبت بودن پاسخ چگونه باید کشاورز را از این خدمات آگاه ساخت؟

### لهستان

بخش کشاورزی لهستان به دلیل حرکت اقتصاد آن کشور از اقتصادی متمرکز به سوی اقتصاد بازار دستخوش تغییرات اساسی شده است. در این قسمت خلاصه‌ای از تاریخچه و زمینه‌ای از حرکت تعاونیها بیان می‌شود.

کشور لهستان دارای بخش خصوصی قدرتمندی است. مزارع خصوصی ۷۶٪ از اراضی قابل کشت، را در برمی‌گیرد در حالی که مزارع جمعی / گروهی ۲۰٪ و مزارع دولتی تنها ۰۴٪ باقیمانده را تشکیل می‌دهند. مناطق روستایی از نظر عمران، جاده‌سازی و برق‌رسانی در شرایط نسبتاً خوبی قرار دارند. اگر چه تنها ۲۹٪ از روستاها از آب لوله‌کشی و ۸٪ از شبکه تلفن برخوردارند، کشاورزان از تجهیزات ماشین‌آلات نسبتاً خوبی برخوردارند ولی با وجود این مقروض هستند. این امر موجب محدودیت در سرمایه‌گذاریهای آینده آنها می‌شود. لهستان از نظر تجاری در موقعیت جغرافیایی مناسبی قرار دارد. ارز کشور هم براحتی قابل تبدیل است. از نظر کشاورزی نیز از دانش بالای فنی برخوردار است و از، استانداردهای بالایی در دامپزشکی پیروی می‌کنند. حدوداً ۱۳٪ از منابع انسانی این کشورها به کار کشاورزی مشغولند که ۴۰٪ نیروی کار در صنایع وابسته مشمول تخمین فوق می‌شود. ۶۰٪ از مساحت کشور قابل کشت است که حدوداً در ازاری هر فرد نیم هکتار زمین قابل کشت وجود دارد. در لهستان مصرف کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات بسیار پائین است. به طور خلاصه کشور از نظر غذایی خودکفا است.

## تاریخچه

حرکت تعاونی لهستان به قرن ۱۹ باز می‌گردد. در سال ۱۹۴۵ بخش کشاورزی تحت کنترل رژیم سوسیالیستی درآمد. هدف رژیم تبدیل مزارع خصوصی به بخش دولتی بود. تعاونیها نیز ناگزیر به تملک نظام درآمد. به این ترتیب حق تصمیمگیری از تعاونیها سلب شد. تعاونیها ملزم شدند به جای برآورد نیاز اعضا، نیاز ملت را برآورند. اصل سرمایه‌گذاری شخصی از میان رفت و تعاونیها شدیداً محتاج سرمایه‌گذاری از خارج شدند. به دلیل خدمات انحصاری تعاونیها، زارعان برای عضویت زیر فشار قرار می‌گرفتند.

بخش کشاورزان لهستان علی‌رغم بیش از چهار دهه سلطه کمونیسم مالکیت خصوصی و هدایت بازار آزاد را بیش از دیگر کشورهای بلوک شرق حفظ کرده است. اگر چه بیشتر جمعیت کشور به فعالیت در بخش تعاونی می‌پردازند. مزارع کوچک همچنان به کار خود ادامه داده‌اند. کشاورزی گروهی هیچگاه نتوانست بخش وسیعی از اراضی لهستان را به خود اختصاص دهد. این روند امروزه همچنان باقی است. اگر چه گروه‌های توانمند در لهستان به هدفهای خود دست یابند. اما موجب تغییراتی در ارتباط با تعاونیها بخصوص در امر عضویت شدند. تعاونیها در مسایل گوناگون خود از الگویی انحصاری پیروی می‌کردند. آنها همچنین به آموزش برقراری فعالیت‌های ورزشی / فرهنگی در اجتماعات محلی، همچنین ایجاد اشتغال و توانبخشی معلولین نقش مؤثری داشتند.

با رشد کمی تعاونیها اعضا حس مسئولیت خود را در برابر مزارع تعاونی از دست دادند در واقع چون از نظر سودنهایی تفاوت چشمگیری میان اعضای تعاونی و کارگران روزمزد وجود نداشت. سیستم تنظیم قیمت، وجود سوبسید بر نهاده‌های اولیه پرداخت نکردن اجاره زمین و قیمت‌های مصرف کننده کم و کاذب در محصولات غذایی باعث شد که میان قیمت فروش و هزینه‌های تولید اختلاف چشمگیری به وجود آید. همچنین هیچ‌گونه ارتباطی میان کیفیت کار و سرمایه اولیه وجود نداشت. کارگران امنیت کاری داشتند و از جهت داشتن کار مادام‌العمر نگرانی نداشتند. این باعث شد کشاورزی به عنوان یک حرفه کم درآمد جلوه‌گر شود، همچنین هیچ‌گونه انگیزه برای بهبود شرایط و مدرن کردن مزارع وجود نداشت. یکی از نتایج حاصل تخریب خاک و دیگری فقدان انگیزه خطرپذیری میان جمعیت زارع بود. لهستان در ابتدای تحول

اقتصادی بیش از ۵۰۰۰ تعاونی ساده داشت (اکثر با جنبه خدماتی) در سال ۱۹۸۹ تعاونیها ۱۴٪ از نیروی کار کشور را به خود جذب کرد و ۱۱٪ از درآمد سرانه کشور را به خود اختصاص داد. این تعاونیها نیز در ۴۰۰ اتحادیه محلی فعالیت می‌کردند.

### انواع تعاونیهای ساده لهستان

(۱) تعاونیهای خود یاری روستاییان: در سال ۱۹۴۸ به منظور رفع نیازهای زارع و مصرف کننده روستایی از، طریق تهیه مواد اولیه کشاورزی و محصولات غذایی مصرف کنندگان تشکیل یافت. این تعاونیها با شبکه عظیم انبارداری و بیش از ۷۰۰۰۰ فروشگاه در سراسر کشور تماماً امور مربوط به فروش کلی تولیدات کشاورزی را به دست داشت. به علاوه کارخانجات غذایی، نوشابه سازی، رستورانها، کافه‌ها، نانوائیها، آسیابها و خدمات حمل و نقل نیز فعالیت داشتند.

(۲) تعاونیهای لبنی: شرکتهای تعاونی لبنی در سال ۱۹۵۱ با ملی شدن صنایع شیر متحل شد و مجدداً به سال ۱۹۵۸ تأسیس یافت. وظیفه اصلی آنها رساندن محصولات لبنی به بازارهای شهری بود. تولیدکنندگان لبنی تماماً وابسته به یکی از ۴۸ اتحادیه محلی لبنی بودند. این اتحادیه‌ها خود صاحب ۷۰۰ واحد تولیدی در ۱۰۰۰۰ نقطه، مکان جمع‌آوری شیر فعالیت داشتند. در سطح محلی تولیدکنندگان لبنی متعلق به تعاونیهای خودیاری روستایی بودند.

(۳) تعاونیهای باغداری (Hortico Ueture): اعضای تعاونیهای باغداری عبارتند از تولیدکنندگان میوه‌ها، سبزیها و عسل این تعاونیها امور تهیه نهاده‌ها، فروش مواد اولیه و بازاریابی را در اختیار دارند.

(۴) بانکهای تعاونی: حدود ۱۶۰۰ بانک تعاونی به منظور رساندن خدمات سپرده و اعتباری برای مصرف کشاورزی / شخصی در مناطق روستایی وجود دارد.

(۵) دواپو کشاورزی: این نهادها با ۲۰۰۰ واحد خدماتی مکانیکی، حمل و نقل و ساختمانی. کمک خود را بخصوص در اختیار کشاورزان خرد می‌گذارد.

(۶) تعاونیهای تولید کشاورزی: این تعاونیها در واقع مزارع جمعی هستند. امروزه به ۲۲۴۰ واحد به مساحت ۷۰۰۰۰۰ هکتار به کار کشاورزی می‌پردازند. و تا چندی بیش مطابق دستورات حکومت مرکزی عمل می‌کردند. از نظر تولیدات آنها را می‌توان با مزارع دولتی مقایسه کرد.

### توسعه‌های اخیر:

در سال ۱۹۹۰ اقتصاد لهستان در معرض تحول شدید و ناگهانی قرار گرفت. بخش کشاورزی لهستان این مرحله را در مقایسه با دیگر بخشها با کاهش درآمد و رکود کمتری گذراند. مزارع این کشور باید بتوانند سطح تولیدات خود را متناسب با تقاضای بازار وفق دهند. با برچیده شدن سوبسید و حمایت‌های مالی کشاورزی، محصولات غذایی گرانتر شده و میزان تقاضای داخلی پایین رفته است. ظرفیتهای صادرات نیازمند زمان و تلاش برای توسعه و تا حد زیادی بستگی به قراردادهای تجاری خارج از کنترل این بخش دارد. بنابراین نیازمند کاهش تولیدات است. این امر رشد بیکاری را به همراه خواهد داشت. در اوایل ۱۹۹۱ دولت لهستان دو ماده اصلاحی به قانون تعاونیها افزود: ۱- خواستار انتخاب نمایندگان جدید در تمام سطوح تعاونیهای ساده شد. ۲- دستور انحلال تمام اتحادیه‌های ملی و منطقه‌ای و فروش داراییهای آنها را داد. این دستور به طور صحیح به اجرا گذاشته نشد و مشکلاتی را به وجود آورد. میزان شرکت کنندگان برای نمایندگانی بسیار کم بود. این به دلیل بی‌اعتمادی کشاورزان به فرایند شکل‌گیری و طرز فکر «دهقان روزمزد» در تعاونیها بود.

انحلال واحدهای تعاونی و تبدیل داراییهای آنها آثار منفی نیز به دنبال داشت. قانون تشکیل اتحادیه‌های جدید عملاً تا اواخر ۱۹۹۱ اجرا نشد و در این مدت مردم از خدمات و پشتیبانیهای تعاونیهای ساده محروم ماندند شورای عالی تعاونیها قانوناً در ژانویه ۱۹۹۰ تشکیل شد، که به علت رد آن از سوی تعاونیهای پائینتر عملاً بیکار مانده است. از یک نظر قانون تعاونی لهستان محدودکننده‌تر از کشورهای دیگر است زیرا هنوز تعاونیها را متعلق به نظام سوسیالیستی می‌بیند، نه بخش خصوصی.

### بررسی - پیشنهادات

در بخش زراعت دهقانی واکنش در برابر شرایط جدید اقتصادی بیش از بخشهای دیگر جلوه می‌کند که اهم که عبارتند از: ۱. واضحترین واکنش، باقی ماندن در کار زراعت و منتظر پایداری شرایط اقتصادی ماندن ولی با انگیزه کم و در نتیجه تولید پایین. ۲. برخی مزارع خود دارای منابع و کارایی لازم برای رقابت در بازار آزاد هستند. ۳. کشاورز به طور کلی زراعت را کنار

بگذارد و زمین خود را ترک کند. ترس از بیکاری و نداشتن امکان تهیه غذای خانواده باعث می شود تا کمترین راه حل انتخاب شود.

تصور می رود تولید در کلیه مزارع گروهی، دولتی و خصوصی در آینده ادامه داشته باشند. با تجهیزاتی در تکنولوژی مدرن در برخی از این مراکز. علاوه بر کشاورزی تعاونیهای روستا هم به خدمات غیرکشاورزی متناسب نیز خواهند پرداخت. استفاده از ماشین آلات به منظور صرفه جویی در کار و زمان دیده خواهد شد. احیای تعاونیها براساس اصول واقعی تعاون بستگی به تحکیم وحدت میان اعضا و تعاونی خواهد داشت. دو عامل بازدارنده در حال حاضر جلوی تکامل اقتصادی بخش تعاونی لهستان قرار دارد. یکی از عوامل این است که تعاونیها هنوز زیر نظر پاسداران رژیم سابق هستند (Navchkb Hora) که مخالف اصلاحات هستند. ۲. قوانین تعاونیها هنوز بطور کامل تدوین نیافته است. تاکنون هیچ گونه ارتباط اطلاعاتی و ساختار منظم دولتی میان تعاونیها برقرار نشده است.

دولت در احیای حرکت تعاونیها دارای ۴ نقش است: ۱) تنظیم آیین نامه اجرایی (۲) نظارت (۳) برقراری همکاری میان دولت و بخش تعاونی (۴) دادن کمکهای خاص به تعاونیها. در ارتباط با قوانین مالی و اقتصادی با تعاونیها همانند دیگر واحدهای اقتصادی برخورد خواهد شد.

## مجارستان

مجارستان در راستای اصلاحات دوردست کشاورزی با هدف تحول اساسی در بخش تعاونیهای کشاورزی و واگذاری زمین است. البته این لوايح هنوز منتظر تصویب هستند. گزارش زیر خلاصه ای از گذشته تعاونیهای کشاورزی مجارستان و قوانینی که اخیر به مورد اجرا گذاشته شده به همراه چند پیشنهاد برای بهبود آن می بردازد. در مجارستان اکثر تعاونیهای کشاورزی به صورت تعاونی زراعتی هستند. این تعاونیها یا مزارع دسته جمعی در سال ۱۹۸۹ ۷۰٪ از کشاورزی مجارستان را در دست داشتند. مزارع کشاورزی ۱۵٪ از اراضی قابل کشت مجارستان را به خود اختصاص داد. آمار سال ۱۹۸۹ نمایانگر این واقعیت است که میزان ضرر مزارع دولتی و گروهی از سودشان بیشتر است. ۱۵٪ تشکیلات کوچک خصوصی است. این مزارع کوچک



کل بازده کشاورزی کشور را تشکیل می دهد که اکثر آنها زیر تولید سبزیها، دام، طیور و گل است. این دسته مزارع شامل باغچه های خانگی در داخل مزارع جمعی، مزارع کمکی کارگران دولتی و مزارع تعاونی هستند. بخش کشاورزی خرد از سال ۱۹۸۰ به طور چشمگیری رشد داشته است اقتصاد مجارستان به نسبت زیادی به کشاورزی وابسته است گرچه تعداد کارکنان این بخش بتدریج در حال کاهش است. این بخش در سال ۱۹۸۹ تنها ۱۷٪ از جمعیت فعال کشور را به اشتغال گرفته بود. مجارستان از نظر غذایی کشوری خودکفا و صادرکننده عمده به شمار می رود. تولیدات غله و لبنیات این کشور به بیشتر کشورهای توسعه یافته نزدیک صادر می شود. بازده کشاورزی این کشور از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ حدود ۸۰٪ رشد داشته است.

وضع کنونی اقتصاد مجارستان از نظر تعاونیها بسیار مبهم است. یارانه کشاورزی برداشته شده و افزایش نرخ نهاده های کشاورزی حتی سریعتر از نرخ تورم پیش می رود. همچنین از خلل در کار بازار مشترک کشورهای بلوک شرق بخصوص بازار شوروی موجب کاهش سطح درآمد و نگرانی بازارهای داخلی شده است تولید کنندگان با بالا رفتن مالیاتها مواجه شده اند. آنها بناچار قیمت محصولات را بالا برده اند.

### ساختار کشاورزی

ساختار کشاورز مجارستان (مطابق با جدول شماره ۳) شامل مزارع تعاونی یا دسته جمعی در درجه اول و به دنبال آن مزارع دولتی و کوچک خصوصی است.

### مزارع دولتی

اکثر مزارع دولتی در جریان اصلاحات ارضی سالهای ۱۹۴۵ - ۱۹۴۷ به وجود آمد. برخی از املاک سابق فئودالی ملی شد و به صورت مزارع بزرگ تحقیقات تکنولوژی جدید و اصلاح بذر درآمد. از آنجاکه برخی از این مزارع نقش اصلی را در توسعه تکنولوژی ایفا می کردند. رژیم کمونیستی آنها را به عنوان الگویی برای سازمانهای تولیدی شناخت. علاوه بر حقوق ماهانه، باغچه های کوچکی برای کشت شخصی، به کارگران اعطا می شود. این باغچه ها هر سال از زمینهای زیر کشت مزارع بزرگ برگزیده می شد.

### مزارع تعاونی - دسته جمعی

این مزارع برگرفته از الگوی کولخوز (kolkhoz) شوروی سابق با تغییراتی ویژه مجارستان است آن تغییرات چنین بوده است: ۱) در طی تشکیل مزارع کشاورز زمین خود را تحویل می‌داد ولی رسماً مالک زمین به شمار می‌رفت. ۲) باغچه‌های خانگی (۱/۲ هکتار) برای زراعت شخصی به خانواده‌ها بازگردانده شد. ۳) مزارع تعاونی فعالیتهای باغچه‌های خانگی شامل: درو، سمپاشی، حمل و نقل، بازاریابی و غیره را به هم ترکیب کرده و بدین ترتیب نوعی تعاونی و همکاری میان باغچه‌های خانگی و مزارع کمونیستی (مردمی) حاصل شد. شاغلان تعاونی عضو تعاونی نبودند. بسیاری از اعضای بازنشسته نیز می‌توانستند در باغچه‌های خود فعالیت کنند. این سیستم مزرعه‌داری در مقایسه با کشورهای همسایه مجارستان (کمونیستی) از آزادی بیشتری برخوردار بودند.

علی‌رغم ضعف کاری، این مزارع در چهار دهه اخیر سهم مؤثری ایفا کرده و واگذاری زمین به آنها، امکان پیشرفت سریع تکنولوژی، رشد نیروی کار آموخته کشاورزی، تنوع محصولات کشاورزی را موجب شده است آنها همچنین تسهیلاتی از قبیل تأمین اجتماعی، کودکستان، سرای سالمندان، حقوق بازنشستگی و غیره را به وجود آوردند.

نقش اصلی مزرع تعاونی برآورد نیازهای برنامه‌ریزی دولت بود. گرچه اعضا رسماً صاحب زمین خود بودند ولی هیچ‌گونه حقی نسبت به سرمایه‌های خود نداشتند و تنها شاهد ارتباط میان کار و مزد بودند. از آنجا که اکثر تعاونیها فاقد کارایی هزینه‌ای بودند بنابراین نمی‌توانستند در بازار صادرات به رقابت پردازند.

### تعاونیهای تخصص یافته کشاورزی

این سازمانهای حد وسط در فاصله ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۱ بویژه میان تولیدکنندگان میوه و شراب به وجود آمد. هدف آنها یکسان کردن تهیه محصولات و بازار فروش برای اعضا بود. از ویژگیهای این تشکیلات تولید خالص یک محصول، مالکیت شخصی زمین و کشت خصوصی خانواده بود. این گونه تعاونی از دیگر سازمانهای مجاری به مفهوم واقعی تعاونی نزدیکتر بود گرچه با مشکلاتی مشابه دیگر تعاونیها روبه‌رو است. در سال ۱۹۶۹ تعداد ۲۳۸ تعاونی ویژه

کشاورزی وجود داشت. این رقم در سال ۱۹۸۵ به ۶۰ تعاونی تحلیل یافت و در سال ۱۹۹۰ به ۶۷ عدد رسید.

### سازمانهای کشاورزی

این سازمانها دارای کشاورزان نیمه وقت بودند و محصولات مازاد اعضا را به فروش می‌رساندند تا به این ترتیب برای آنها نهاده کشاورزی تهیه کنند. هیچ‌گونه مالکیت مشترک در میان نبود و اعضا عموماً مالکیت مشترک ماشین‌آلات و ساختمانهای کشاورزی را در دست داشتند.

### تعاونیهای خرد

از تاریخ ۱۹۸۶ تعاونیهای آزمایشی خرد با کمتر از ۱۰۰ نفر عضو به وجود آمد. هدف آنها تسهیل امر تحول مزارع دسته جمعی به تعاونیهای واقعی بود. در حال حاضر اطلاع کافی از موفقیت این نمونه‌ها در دسترس نیست.

### شرکتها

در دو سه ساله اخیر شرکتهای سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه‌گذاران خارجی در مزارع بزرگ مجارستان به وجود آمده است. در ۱۹۸۹ دو نمونه شرکت سرمایه‌گذاری مشترک به وجود آمد. تحت عنوان شرکت با مسئولیت محدود مزارع تعاونی کارگاههای خدماتی بدون نیاز به انحلال تعاونیها گذشته ایجاد شده است تحت عنوان شرکت سهامی مجتمع عمومی می‌تواند بر تبدیل تعاونی به شرکت سهامی رأی بدهد.

### توسعه‌های اخیر

در مجارستان در مباحث پارلمانی بر سر آینده تعاونیها دو دیدگاه مخالف وجود دارد. جناح راست خواستار انحلال کلی تعاونیها و جایگزینی آنها با ساختارهای کشاورزی خرد و متوسط خصوصی است. مدیران تعاونیها از طرف دیگر خواستار بازگشت به مزارع تعاونی و

تغییر آنها مطابق اصول درست تعاونیها هستند. در قانون جدید، تعاونیها می‌توانند براساس مالکیت شخصی پایه‌گذاری شوند. در تعاونیهای کشاورزی در تمام املاک زمینی و تا ۷۰٪ از املاک غیرزمینی خصوصی خواهند شد. به علاوه سرمایه‌گذاری خارجی نیز تشویق خواهد شد. با ثابت ماندن سیاست فعلی دولت انتظار می‌رود تعاونیها بدون هیچ‌گونه کمک دولتی دوام داشته باشند. این نگرش بی‌طرفانه به دلیل تصویر بدی بود که تعاونیها در دهه ۱۹۵۰ در اذهان به وجود آورد. دلیل دیگر مفهوم ذهنی تجاری است یعنی امید و اعتقاد کورکورانه‌ای که می‌پندارد قدرت اقتصاد بازار قادر است تمام مشکلات را در کوتاهترین مدت حل کند. این نظر صریحاً مخالف با مفهوم تعاونیهاست.

حمایت دولتی کشاورزان شامل سیستم اعتباری ترجیحی شبکه بانکی روستا شامل بانک رهنی و بیمه بود. مالیات بر درآمد کشاورزان کاهش خواهد یافت و در بعضی موارد از میان خواهد رفت. انتظار می‌رود مالیات بر درآمد و مالیات زمین (قدیمی) بکلی برداشته شود و درآمد کشور با مالیات مواد غذایی جبران شود. یارانه‌های دولت در جهت توسعه زیربنایی حمایت از محیط‌زیست و جنگل‌زایی صرف خواهد شد.

### تشکیل موژ Mosz

در سال ۱۹۸۹ کنگره فوق‌العاده تعاونیهای کشاورزی تشکیل جلسه داد و به همراه خود سازمان تازه‌ای به نام فدراسیون ملی تعاونیهای کشاورزی و تولیدکنندگان موژ را بنا نهاد. اعضای موژ فدراسیونهای منطقه‌ای یا حرفه‌ای گوناگون انجمنهای کشاورزی و سازمانهای دیگر کشاورزان خرد بودند که چهار هدف اصلی را دنبال می‌کردند: (۱) ارتقای مفهوم تعاونیها (۲) کمک اعضا برای زراعت سودمند از طریق بازاریابی و تأمین نهاده‌های کشاورزی و حمایت دولتی. (۳) پیشبرد سازمانهای تولیدی کشاورزی (۴) ایجاد کمکهای قانونی، اقتصادی، بازرگانی، مالیاتی، حسابرسی و غیره. این سازمان یا دریافت حداکثر ۰.۱۵٪ درصد عوارض از کل درآمد سرانه، از طریق تعاونیها حمایت می‌شود.

### قانون جبران خسارت

این قانون در سال ۱۹۹۱ گذاشته شد و به موجب آن افراد عادی بابت خسارتهای گوناگون مبلغی به عنوان جبران دریافت می‌کنند. میزان خسارت از ۳۰ تا ۱۰۰ درصد خواهد بود. کوپنهای جبران خسارت پخش می‌شود که می‌توان صرف خرید ملک و سهام مصرف کرد. مزارع جمعی / تعاونی باید خود را آماده جبران خسارت کنند. هر تعاونی از کل ادعاهای وارده آگاه خواهد شد و باید به منظور پرداخت خسارت زمینهای خود را برای مدعیانی که خواهان خرید آن باشند به معرض فروش گذارد. زمینی که از تعاونیها خریداری می‌شود را نمی‌توان تا ۵ سال از تولید کشاورزی خارج کرد. ماده دیگر این قانون چنین است که مقدار مشخصی زمین به اعضا و کارکنان بخش تعاونی واگذار می‌شود این زمین را به هیچ وجه نمی‌توان فروخت حتی در مورد پرداخت خسارت. این شرط در مورد زمینهای دولتی نیز صادق است.

### قانون واحد تعاونیها

این قانون با شرکت مدیران تعاونیها و به درخواست دولت در اوایل ۱۹۹۲ از تصویب پارلمان گذشت و شامل مفهوم حقوقی تعاونیها و ساختار نظارتی و قانونی فعالیت آنهاست. براساس این قانون تعاونی می‌تواند با داشتن حداقل ۵ نفر آغاز به کار کند. هر عضو می‌تواند حداقل یک سهم خریداری کند. به هر یک از سهامداران سهم درآمد سالانه مؤسسه پرداخت خواهد شد. سهام تجاری براساس فعالیت تجاری از بخش جداگانه‌ای سود خواهد گرفت. صندوق ذخیره اجباری سالانه ۱۰٪ از سود سرانه را دریافت خواهد کرد. این قانون برخورد مختاری تعاونیها تأکید می‌کند و همچنین حق ادغام جدایی جابه‌جایی و انحلال را به آن می‌دهد. تعاونیها همانند دیگر سازمانهای اقتصادی زیر نظر دادگاه خواهد بود.

### قانون انتقال

یا قانون قریب به ۱۴۰۰ تعاونی دوباره تأسیس خواهد شد. در جریان انتقال، تعاونی باید املاک مشترک خود را به املاک خصوصی اعضا تبدیل کند. تمام اراضی تحت اختیار تعاونی (نه اعضای

آن) شامل قانون فوق هستند. که باید میان اعضا تقسیم شوند و براساس اندازه ارزش ثبت شود. تا زمانی که عضوی در تعاونی باقی است باید اجاره زمینش را دریافت کند. در صورتی که یکی از اعضا خواستار ترک تعاونی باشد. زمین به او واگذار می شود. در طی مدت انتقال تصمیمات داخل هر تعاونی می تواند با اکثریت آرای اعضا صورت بگیرد. همچنین در این دوره یک عضو یا گروههایی با دو عضو یا بیشتر می توانند بدون گرفتن نظر شورای کلی اعضا از تعاونی جدا شوند.

### پیشنهاد

چند نکته بررسی شکل و جزئیات قوانین ساختار کشاورزی در بخش تعاونی دیده می شود که عبارتند از:

- پراهمیت ترین بخش، رفع حق مالکیت است، املاک باید تا حد ممکن شکل ظاهری و طبیعی خود را داشته باشند.

- در رفع حق مالکیت، به آنانی که از راه کشاورزی زندگی می کنند و به آنانی که در جمع آوری املاک تعاونی نقش دارند و همچنین آنانی که در گذشته املاک خصوصی محدود داشته اند اولویت داده خواهد شد.

- از املاکی که صاحبانشان غایبند و یا در گذشته اند. به عنوان املاک مشترک نگهداری می شود و تنها در مصارف تعاونی به کار می رود. (مثلاً در حمایت از بازنشستگان و تأسیس تعاونیهای نو)

- ماشین آلات خاصی را که نتوان به طور صحیح تقسیم کرد باید باقی بمانند و به وسیله تعاونی و یا سازمانهای اقتصادی دیگر به کار گرفته شوند.

- قوه قانونگذاری باید شرایط ایجاد تعاونی واقعی را قبل از اینکه اجازه انتقال به شرکت سهامی مشترک بدهد را امکانپذیر سازد.

- این انتقال نباید خیلی سریع صورت بگیرد و نباید جلوی تکامل شکلهای مختلف سازنده را نیز بگیرد بلکه راه را برای تغییر باز گذارد.

- در ابتدا به علت آشنا نبودن فرد مجاری با مفهوم امنیت احتمال دارد ارزش سهام

مالکیت در بازار پایین بیاید. در نتیجه گروههای ثروتمند تمام سهام ارزان را خریداری کرده و باعث تجمع املاک در دست یک عده خاص شوند.

- با شکل‌گیری جدید و با اصل ایجاد حداکثر مشاغل، احتمال دارد تعاونیها تعداد زیادی از کارکنان خود را اخراج کنند. به غیر از مسئله بیکاری روستاییان این امر موجب افزایش نیاز اعضا به مدیریتی واحد و قوی خواهد شد.

- چون قانون جدید به صورت کلی است و انواع تعاونیها را در برمی‌گیرد بیم آن می‌رود که مؤسسه‌های جدید تنها به ظاهر تعاونی باشند.

### راه‌حلهایی برای تعاونیها

تنوع صفت اصلی ساختار کشاورزی جدید مجارستان خواهد بود. احتمال می‌رود در حدود ۲۰۰ تعاونی پیدا کنند و همانند گذشته به کار خود ادامه دهند. ممکن است اعضا یا گروهی تعاونی را ترک کنند و یا تعاونیها تقسیم شود یا در هم ادغام شوند و با تغییراتی در سازمان داخلی خود بر همین منوال به کار ادامه دهند. ارتباط میان تعاونیها و کارفرمایان که دیگر حقوق‌بگیر نیستند. افزایش خواهد یافت.

براساس قانون جدید ممکن است در مزارع تعاونی تمایل تبدیل به شرکتهای سهامی دیده شود با سرمایه‌گذاری سهامداران در بخشهایی که در گذشته مزارع جمعی به حساب می‌آمد. قدرت رأی اعضا با میزان سهامشان مشخص می‌شود. این در واقع راه‌حلی برای تبدیل تعاونیهای کشاورزی به شرکت سهامی مشترک است. اغلب مزارع کشاورزی به شرکتهای سهامی بخصوص شرکتهای سرمایه‌گذاری در خواهد آمد. اگر چه تبدیل به تعاونیهای کشاورزی هم امکانپذیر خواهد بود.

با روی دادن شرایط سخت اقتصادی و روند رشد بیکاری احتمال حرکت به سوی کشاورزی معیشتی به وجود می‌آید:

## نیازهای آموزشی

نیاز آموزش در تحول تعاونیهای کشاورزی مجارستان بسیار اساسی است. مدیران تعاونیهای باقیمانده نیاز به آموزشهای خاص هم از نظر تئوری هم از نظر عملی از مفهوم واقعی تعاونی دارند. گرچه این کشور از نظر فنی در سطح اطلاعاتی بالایی قرار دارد. ولی از نظر مهارتهای تجاری بسیار ضعیف است. بنابراین نیاز آموزشی در زمینههای بازاریابی - مدیریت مالی، برنامه ریزی تجاری و روشهای ارزیابی دیده می شود. لازم است از نظر کشاورزی اطلاعات عمومی در ارتباط با عمل تعاونیها را بالا برد. و اختلاف میان تعاونی واقعی و مزارع جمعی را نمایان ساخت. بالاخره کشاورزان خصوصی مزارع کوچک نیاز به کمک در زمینههای دوره های آموزشی طرح و ایجاد سیستم گسترش و برنامه های آموزشی دارند. در حال حاضر دانشگاه کشاورزی در Codollo دوره های آموزشی در ارتباط با تعاونیها برگزار می کند. مراکز آموزش هیئت ملی تعاونیهای کشاورزی هم، دوره هایی در ارتباط با سیاست کشاورزی، قانونگذاری تعاونی، مدیریت و سرمایه گذاری را با همکاری چندین مؤسسه آلمانی و اتریشی همچنین سازمانهای بین المللی فائو، یونسکو و سازمان بین المللی کار LCO ارائه می دهد.

## آلمان شرقی

ساختار کشاورزی آلمان شرقی در سالهای ۱۹۵۰ - ۱۹۹۰ اکثراً به صورت تعاونیهای با تولید انبوه و یا مزارع دسته جمعی، سوسیالیستی LPG بود. زمینهای کوچک خصوصی تنها ۹٪ کل بازده کشاورزی را به خود اختصاص می داد. از نظر چگونگی توزیع زمین، آلمان شرقی وضعی شبیه به مجارستان داشت. اتحاد دو آلمان در دهه ۹۰ شرایط عالی برای بازسازی کشاورزی و صنایع مربوط در آلمان شرقی به وجود آورد. در ۱۹۹۰ حدود ۳۸۰۰ تعاونی تولید کشاورزی در آلمان شرقی وجود داشت که بیش از ۵ میلیون هکتار و حدوداً ۸۶٪ از تمام اراضی کشاورزی و صنایع مربوط به آن را در آلمان شرقی شامل می شد بخش کشاورزی ۱۰٪ از جمعیت کشور را به استخدام خود در آورده بود. ۷۵٪ درصد از این تعداد در اختیار (حزب سوسیالیست) بودند.

بر اثر نظام جدید اقتصادی و حقوقی آلمان شرقی پیشرفت چشمگیری در قوانین مالکیت



زمین حاصل شد کشاورز آزادی انتخاب در زمینه‌های گوناگون از جمله خصوصی کردن را داشت. که در زیر به طور خلاصه بررسی خواهد شد.

### تاریخچه

در گردهمایی ۱۹۴۷ میان آمریکا، فرانسه، انگلستان و شوروی تصمیم بر اجرای اصلاحات ارضی در دو آلمان گرفته شد. اگر چه تنها در قسمت شرقی آن به اجرا درآمد. طی این اصلاحات حدود ۳/۳ میلیون هکتار زمین مصادره و به صندوق زمین واگذار شد. اکثر زمینهای مصادره شده متعلق به زمیندارانی بود که صاحب بیش از ۱۰۰ هکتار زمین بودند. همچنین تعداد ۴۵۳۲ مزرعه کوچک کمتر از ۱۰۰ هکتار از صاحبانشان گرفته شد. در فاصله ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰ صندوق زمین ۲/۱ میلیون هکتار زمین را به طور رایگان به دهقانان واگذار کرد. این صندوق به منظور توسعه مزارع دهقانان خرد به تعداد ۱۶۵۰۰۰ زارع زمین واگذار کرد این نهاد به علاوه تعداد ۵۳۳۳ مزرعه تخصصی تحت عناوین مختلف مردمی، دانشگاهی، آزمایشی و غیره را برای خود نگهداشت. در سالهای بعد تعاونیهای تولید کشاورزی تأسیس شد، تمام کشاورزان بالاجبار عضو تعاونی شدند. مزارع جمعی وابسته به تعاونی، محصولات مشخصی تولید می‌کردند مانند تولید غله، بذر، لبنیات، دام و طیور و غیره، بازار نیز تحت کنترل آنان بود.

### زمینه تغییر

اتحاد دو آلمان موجب سقوط پول آلمان شرقی به میزان ۵۰٪ و تبدیل آن به پول واحد یعنی مارک آلمان شد. مصرف کننده قادر بود با به اختیار گرفتن ارز جدید کالاها را ارزاتر و با کیفیت برتر از قسمت غربی تهیه کند. این امر موجب تنزل شدید محصولات کشاورزی آلمان شرقی شد. وزرات کشاورزی آلمان شرقی که طی سالها مرکز برنامه‌ریزی تولید کشاورزی بود در جریان اتحاد دو آلمان از هم پاشید. ارائه نشدن دستورالعمل به کشاورزان منطقه آنها را دچار سردرگمی کرد. در ماههای بعد شاهد کاهش ۵۰٪ ناگهانی در تولید محصولاتی مانند سیب‌زمینی و بین ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش دام و خوک بودیم. به علاوه تعداد زیادی از کارگران بیکار شدند تغییر ساختار کشاورزی آلمان شرقی به همراه چند طرح؟ و قانون صورت گرفت. در

این قسمت به بررسی اجمالی ۳ گونه مهم می‌پردازیم:

### قرارداد اتحاد

این قرارداد پایه و اساس اتحاد را تشکیل می‌داد. بنا به این قرارداد، تمام قوانین جمهوری فدرال (شامل ارتباطات کشاورزی، تبدیل و انتقال زمین، اجاره و غیره) در مورد بخش شرقی هم باید به اجرا گذاشته شود. ثانیاً اصلاحات زمین که به دنبال آن اصلاحات ارضی سال ۱۹۴۷ صورت گرفت. برای تصمیمات دولت در توزیع زمینهای کشاورزی مرجع خواهد بود. به گفته دیگر سلب مالکیت سال ۱۹۴۷ نمی‌توانست دوباره تکرار شود.

### قانون اصلاحات کشاورزی

این قانون مستقیماً مسئله مالکیت زمین و چگونگی دگرگونی سیستم LPG سوسیالیستی را بیان می‌کند. به عبارت دیگر موجبات بازگردانی کلیه اراضی به صاحبان اصلی و یا بازماندگان آنان را فراهم می‌کند. حتی کسانی که آلمان شرقی را ترک کرده و مقیم کشورهای دیگر شده بودند، می‌توانستند ادعای مالکیت کنند. ثانیاً کلیه کارکنان تعاونی می‌توانند ادعای مالکیت مشترک مزارع و مجتمعهای کشاورزی را داشته باشند. اگر پس از پرداخت تمام بدهی‌ها، ارزش مثبتی باقی باشد. به کسانی که خواهان ادامه کار در کشاورزی هستند. اموال منقول پرداخت خواهد شد (از قبیل زمین، ماشین‌آلات و...) بقیه افراد سهم خود را به صورت پول دریافت خواهند کرد. نکته آخر این بود که هر عضو به نحوی در افزایش کارایی مالکیت جمعی سهمیم بوده. بنابراین باید بدون قید و شرط به او خسارت پرداخت شود. قانون فوق برای آن دسته از اعضای تعاونیهای کشاورزی که مایل به ادامه کار زراعت باشند حق تأسیس تعاونیهای ثبت شده را می‌دهد. حتی کارگر ساده کشاورزی با خرید یک سهم می‌تواند در تعاونی عضو شود. سپس زمین خود را به تعاونی اجاره دهد. تعاونی باید اجاره را به تمام اعضا پرداخت کند. گاهی افراد عضو به جای دریافت اجاره خواستار سهام خود از اموال مشترک بودند (ممکن است افرادی که در وضع مالی خوبی هستند به جای حقوق خواهان سهم خود باشند).

### برنامه کنارگذاری

طبق برنامه کنارگذاری که به منظور کاهش تولید انبوه و به دنبال کاهش تقاضای مصرف کنندگان طرح شده است، کشاورزان یا اعضای مزارع جمعی حداقل ۵۰۰ مارک در ازای هر یک هکتار زمینی که از زیر کشت خارج کرده‌اند به عنوان خسارت پرداخت خواهند کرد. مبلغ کمتری هم بابت تبدیل مزارع به علفزار پرداخت خواهد شد، در اکتبر ۱۹۹۰ زمینهای مشمول این برنامه به حدود ۶۰۰۰۰ هکتار یا ۱۲/۸٪ از مناطق زیر کشت بالغ شد. تولیدات غله در نتیجه این برنامه حدود ۲ میلیون تن کاهش خواهد داشت.

### ساختارهای نو تولید

شرایط اخیر اقتصادی ایجاد ساختارهای نو را در تولید امکانپذیر می‌سازد نخستین انتخابها در این زمینه بررسی می‌شود.

### مزارع خانوادگی

در صورتی که یکی از اعضای تعاونیها LPG تصمیم به تشکیل مزرعه خانوادگی بگیرد از طریق طرح مشترک فدرال / بخشی «برای بهبود ساختار زمین و محافظت مناطق ساحلی» کمک مالی دریافت خواهد کرد. براساس این برنامه کشاورزی می‌تواند تا ۲۳۰۰۰ مارک و تا ۳۰۰۰۰۰ مارک وام (۲۰ ساله برای اموال منقول و تا ۱۰ سال برای اموال غیرمنقول) دریافت کند شرایط لازم دریافت کمک: کشاورز باید زیر ۵۵ سال سن داشته باشد - آموزش و تجربه کافی داشته باشد و بتواند طرح مناسبی ارائه دهد. کشاورز و خانواده او باید بتوانند به تنهایی مزرعه را برای حداقل ۱۲ سال اداره کنند. و ۱۰٪ از سرمایه اولیه را داشته باشند. به علاوه هیچ گونه محدودیتی در نگهداری تعداد حیوانات وجود ندارد.

### مزارع خصوصی دیگر

مزارع خصوصی غیرخانوادگی امکانات دیگری را بیان می‌کند. برای مثال هر گروه ۲۰ نفری (عضوی) می‌تواند تشکیلات کشاورزی تا مساحت ۱۲۰۰ هکتار ایجاد کند. چنین

مشارکتی چند برتری دارد: (۱) می‌تواند جوابگوی مشکلات غیبت به علت مرخصی یا تعطیلات باشد. (۲) به قدری بزرگ است که بتواند اشخاص متخصص در زمینه‌های دامپروری، زراعت، ماشین‌آلات و مدیریت را به استخدام خود در آورد. (شرکتهای سهامی مشترک نوعی دیگر از ساختار کشاورزی است) (۳) اکثر شرکاء می‌توانند عضو این مزارع باشند بدون اینکه سایر مزایای اجتماعی خود را از دست بدهند و منحصراً عضو تعاونی باشند.

۳- اکثر افراد به تنهایی سرمایه اولیه یا جرأت لازم برای استقلال شخصی ندارند.

### تعاونیهای ثبت شده

برای تبدیل تعاونیهای گروهی (LPG) به تعاونیهای ثبتی - تسهیلاتی در اختیار اعضای می‌گذارند. اعضا با گشایش موجودی در بانک (به بانک) و ارائه طرح یا پیشنهاد برای بازسازی و توسعه، از طرف دولت سرمایه‌ای معادل ۲/۵ میلیون مارک (یا ۱۳۴۰۰ مارک به ازای هر کارگر) دریافت خواهد کرد. کلیه اعتبارات موجود برای امور بهره‌وری ارائه خواهد شد و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های گوناگون کشاورزی، اقتصادی تشویق خواهد شد. شرایط لازم برای دستیابی به این مزایا، برآورد نیازها و شرایط خاص، غالباً مربوط به محیط زیست است. کلیه شرکتهای خصوصی، غیرخصوصی و تعاونی موظف به پرداخت مالیات هستند. با این استثنا در مورد تعاونیهای ثبتی که برای ۱۰ سال اول ۳۰۰۰۰ مارک معافیت مالیاتی دارند (اگر چه در فاصله دوران تحول ۱۹۹۱ - ۱۹۹۳) کلیه شرکتهای از پرداخت مالیات معاف خواهند بود. علی‌رغم تسهیلات فوق انتظار می‌رود به علت نداشتن انطباق فوری کشاورزی با وضع رقابت بازار، میزان ورشکستگی بالا رود. در شرایط ناهنجاری فعلی بازار، تمام شرکتهای از نظر مالی در وضعی که به سر می‌برند متزلزل خواهند بود.

### توسعه‌های اخیر

در اثر تغییرات بخشهای کشاورزی - روستایی آلمان شرقی چند پدیده دیده می‌شود:

(۱) کاهش سریع جمعیت روستایی با ترک جوانان ماهر، همانند جنوب ایتالیا، برنامه کارآموزی که برای حل این مشکل برپا شده است خود دچار مشکل است. نخست این گونه تشکیلات

کشاورزی عملاً از گرفتن کارآموز زمانی که ناچارند یک زارع را در ازای هر کارآموز اخراج کنند دچار مشکل خواهند شد. دوم آنکه برنامه‌های آموزشی اغلب به علت ورشکستگی متوقف می‌شوند. در حال حاضر حدوداً ۱۴۰۰۰ کارآموز دوره‌های آموزشی سه ساله‌ای را می‌گذرانند و دو مشکل دیگر صرفه‌جویی در کار همراه با مدرنیزه کردن و نظم بخشیدن به کارها پدید می‌آید. مخارج آموزش به بخشهای خدمات و بازاریابی و استخدام در مناطق روستایی اختصاص می‌یابد.

۲) به علاوه کارگران کشاورزی با بیش از ۵۰ سال سن که کار جدیدی با حقوق پایبتری آغاز می‌کنند، ماهانه ۱۲۰ مارک به علت تطبیق شغلی دریافت خواهند کرد. کارخانجات و واحدهای صنایع غذایی دولتی یا دسته جمعی نیز به سوی خصوصی شدن گام برمی‌دارند. استفاده از تکنولوژی قدیم یعنی نیروی کار زیاد و نتیجتاً تولید کالاهای پرهزینه، آنها را به سوی ورشکستگی تدریجی سوق می‌دهد. با ورشکستگی کارخانجات شرق آلمان، کارخانجات غربی، به علت به کارگیری روشهای صرفه‌جویی در وسایل کار، احتمالاً جایگزین آنها خواهد شد. این بخش نیز همانند زراعت باید از نیروی کار خود بکاهد.

۳) رأی دیگر این است که غرب آلمان به منظور گسترش تشکیلات کشاورزی خود زمینهای شرق را از صاحبان جدید اجاره کند. این عمل چند ویژگی مثبت دارد. کشاورز غربی به همراه خود تجربه، دانش و ماشین‌آلات مدرن می‌آورد و به کشاورزان محلی در ایجاد اتحادیه‌های کشاورزی کمک می‌کند. هم‌چنین مراکز ماشین‌آلات کشاورزی به وجود خواهد آمد تا در اختیار زارعان عضو قرار گیرد. این روند مثبت به شمار می‌رود زیرا به کشاورزان خانوادگی امکان دوام می‌دهد. و از ارتکاب اشتباهات بزرگ و سرمایه‌گذاری نادرست در زمینه ماشین‌آلات جلوگیری خواهد کرد. امروزه مشاهده می‌شود تعاونیهایی ثبتي مؤظف هستند ۲۰٪ از وامهای دریافتی خود را صرف مسائل بهبود، بهداشت و غیره کنند. این به لحاظ قوانین جدید و سخت در حوزه حفاظت از محیط‌زیست است، هر تعاونی که خواستار اعتبارات ارزیقیمت و کمکهای مشابه‌ای باشد ناچار باید از این قوانین پیروی کند.

### بررسیها، پیشنهادها

- در تحول اقتصادی آلمان شرقی نوعی بدبینی به نتایج کوتاهمدت تعاونیهای جدید هست، دو راه حل در ارتباط با تعاونیهای ثبت شده وجود دارد:
- ۱) با قبول پیامدهای شدید اجتماعی که هرگونه نوآوری را از آنان میگیرد. خود اجازه متلاشی شدنشان را بدهند. ۲) تعاونیها برای انطباق با شرایط جدید و ایجاد مهارتهای مدیریتی و فنی که نیازمند هزینههای زیاد است. همچنان به دریافت کمکهای مالی ادامه دهند.
- عواملی که می تواند موجب موفقیت این تحول باشد عبارتند از:
- برنامه ها و سیاستهای دولت باید امکان مساوی به تمام نمونه های تشکیلات کشاورزی بدهد.
  - نیاز به برقراری شرایط مشخص اقتصادی و حقوقی برای تسهیل قانون حفاظت از محیط زیست وجود دارد.
  - متوجه ساختن اعضای تعاونیهای نوپا از مسئولیتها و خطرات احتمالی. خیلی از آنان متوجه مفهوم تطبیق نیستند. به علاوه بسیاری از اعضا فاقد مهارتهای حرفه ای برای مدیریت هستند.
  - کمک به برنامه آموزش کارآموز، مؤسسات کشاورزی می توانند سالانه مبلغ ۵۰۰۰ مارک را در ازای هر کارآموز دریافت کنند.
  - به منظور کاهش اختلاف میان کشاورزان بخش غرب و شرق. باید بابت روشهای مراقبت بهداشتی به کشاورز شرقی به اندازه رقیب غربی اش یارانه داد.
  - نسبت به کاهش تدریجی عقب ماندگی فنی قسمت شرق باید متوجه شود. تکنیکهای جدید باید از نظر اقتصادی در دسترس باشد.
  - برای دستیابی مجدد به بازارهای محلی لازم است صنایع غذایی قدیمی کشور با مدرن کرده تا محصولات با هزینه های کمتر تولیدی، و بسته بندیهای جاذبتر، قابل رقابت با قسمت غربی، به بازار ارائه شود.
  - تواناییهای صنایع غذایی و حمل و نقل کالا را باید به گونه ای تغییر داد که موجب تقویت و تحکیم اقتصاد این بخش شود.

- تماس و تبادل افکار میان کشاورزان جدید با کشاورزان رژیم سابق باید صورت گیرد به دنبال آن، برخی اتاقهای کشاورزی قسمت غربی هم اکنون سمینارهای هفتگی در قسمت شرقی برگزار می‌کنند.

- آن دسته از کشاورزانی که خواستار تأسیس مزارع مستقل هستند. نیاز فوری به آموزش در زمینه‌های سرمایه‌گذاری، کتابداری، بیمه، مالیات، بازاریابی و برنامه‌کنندگی دارند.

### یوگسلاوی

فعالیت‌های تعاونی در مناطق روستایی که طی چند دهه اخیر به علت جمعی کردن و سیاست‌های دیگر دولت روبه نابودی می‌رفت. امروزه بازگشت پیدا کرده است. وضعیت تعاونیها در جمهوریهای گوناگون فرق دارد. اصلاحات سیاسی اقتصادی جمهوریهای یوگسلاوی تنها با بازسازی اقتصادی صورت نخواهد گرفت. بلکه پس از اتمام جنگ موجب ویرانی فراوان و آوارگی افراد خواهد شد.

در سال ۱۹۸۸ کشاورزی یوگسلاوی ۱۷٪ از نیروی کاری را به خود اختصاص داد و بدین ترتیب ۱۱٪ از درآمد سرانه ملی را در دست داشت. بیش از نیمی از مردم هنوز ساکن مناطق روستایی هستند. اکثر آنانی که از کشاورزی کناره می‌گیرند جذب صنایع روستایی می‌شوند.

تراکم جمعیت یوگسلاوی بالاتر از کشورهای مجاور خود است. بخش اعظم زمینهای کشاورزی از سال ۱۹۶۰ به علت جاده‌سازی و شهرسازی از میان رفت و بسیاری از مناطق کشاورزی (۱۴/۲ میلیون هکتار) در حاشیه کوهها و مناطق جنگلی قرار دارد.

سال ۱۹۸۰ مصادف با رکورد بخش کشاورزی بود. این نظر میان دهقانان به وجود آمد که کشاورزی به تنهایی نمی‌تواند متضمن زندگی آسوده باشد. بسیاری از افراد به کارهای صنعتی روی آوردند و تنها به صورت نیمه وقت به کار کشاورزی پرداختند. با کناره‌گیری از کارهای کشاورزی، میزان مساحت زیرکشت برای هر کارگر بالا رفت. با اشتغال جوانان در بخش صنایع، جمعیت زنان و سالخوردگان در میان کشاورزان افزون‌تر شد. امروزه از هر ۵ نفر یک نفر بی‌سواد است. در نتیجه بازار زمین بر اثر ترس از تغییرات سیاست دولت در مورد اراضی، عدم اعتبار،

وجود سقفهای قانونی از طرف دولت بر اندازه زمین و غیره، راکد مانده است. کشاورزی یوگسلاوی غالباً به صورت خصوصی کوچک دیده می‌شود. این امر عمدتاً به علت قانون ارث حاصل شده است که کلیه زمینهای کشاورز را به طور مساوی میان فرزندان تقسیم می‌کند. آمار سال ۱۹۶۰ نشان داد که یک دهقان به طور متوسط صاحب تعداد  $7/9$  قطعه جداگانه است (زمینها کنار هم قرار نگرفته) این امر مشکلات استفاده از ماشین‌آلات و نیروی کار را به خوبی نشان نمی‌دهد. در دهه ۱۹۸۰ بخش کشاورزی شاهد رکود شدید و رشد منفی بود.

بخش کشاورزی مردمی برگرفته از مدل روسی سوخوز (Shokhoz) حدود ۲۰٪ از کل اراضی قابل کشت کشور را تشکیل می‌دهد البته میزان ۱۲٪ دیگر را هم به صورت علفزار در اختیار داشت. این مساحت به طور مساوی در یوگسلاوی پخش نشده است. برای مثال ۴۲٪ در ایالت وجودنی (Vojadonia) ۳۳٪ در اسلاونی (Olavonia) ۳۰٪ در دره وارد (Varda) در مقدونیه (Mocedonia) و به میزان کمی در طرف مقابل مناطق کوهستانی (بوسنی هرزگوین، مونتنگرو، اسلاونی، مناطق صرب‌نشین و تدو)

### تاریخچه

تعاونیها با توجه به مناطق مختلف یوگسلاوی تاریخچه نسبتاً قدیمی دارد. غالباً مناطق غربی زودتر به این حرکت پیوستند و سپس مناطق کرواسی، اسلاونی و صربستان، میزان خدمات تعاونیها نیز در مناطق گوناگون فرق می‌کند. در کرواسی - اسلاونی قدمت تعاونی به سال ۱۸۷۳ برمی‌گردد. این گونه تعاونیها کمکهایی از قبیل تهیه اعتبار و پس‌انداز و تهیه وسایل کشاورزی به کشاورز ارائه می‌کردند.

این گونه تعاونیها به تولید محصولات محدودی می‌پرداختند مثلاً: لبنیات، روغن زیتون و از این قبیل آنها حتی زیر اشغال ایتالیائیها ثبات و تحکیم خود را حفظ کردند. اولین تعاونی صربستان در ۱۸۸۴ عموماً به فعالیتهای اعتباری می‌پرداخت. پس از جنگ جهانی اول تعاونیهای تولیدکنندگان و فروشندگان ازدیاد پیدا کرد. تعاونیهای کزو Kosovo در دهه ۱۹۲۰ بنا نهاده شد. وجود بی‌سواد و خصوصیت ویژه منطقه موجب کندی رشد آنها شد. مقدونیه تا قبل از ۱۹۱۳ که تحت حاکمیت ترکها در آمده بود. هیچ گونه تعاونی نداشت. در بوسنی نیز تعاونیها زیاد فعال



نبودند. دولت یوگسلاوی که پس از جنگ جهانی دوم باقحطی مواجه شده بود، از تعاونیها پشتیبانی می‌کرد و برای گروهی کردن کشاورزی سیاستی مطابق با الگوهای شوروی سابق به اجرا گذاشته شد. دهقانان و کشاورزان برای مطابقت با این الگوها زیر فشار شدید بودند. با این حرکت، تعداد تعاونیهای تخصصی کاهش یافت و تعاونیهای جدید به علت فقر مدیریتی دچار بحران اقتصادی شدند. در نتیجه حکمی صادر شد که به دهقان اجازه ترک عضویت تعاونی (به همراه اموال منقول و غیرمنقولش) را می‌داد.

در دهه ۱۹۵۰ دولت طرح جدید ادغام تعاونیهای دهقانی را به اجرا گذاشت (در واقع به منظور از میان بردن تعاونیها) بر اثر این سیاست تمام مزارع خصوصی دهقانی و مزارع دولتی در هم ادغام می‌شد. بسیاری از دهقانان به عنوان کارگر یا کارمند دفتری به استخدام دولت در آمدند. در سال ۱۹۷۵ تنها ۸۵۰ تعاونی باقی ماند (۱/۳ میزان قبل از جنگ جهانی دوم) در این زمان سیستم قرارداد «تعاون سوسیالیستی» میان کشاورزان خصوصی و مراکز دولتی برقرار شد. قراردادهایی معمولاً یکساله به منظور ارائه خدمات وامی و امه‌های تولیدی، تولید و پخش مشترک میان طرفین انعقاد می‌شد. این سیستم ابتدا از آنجایی که برای کشاورز منبع اعتباری دیگری وجود نداشت بسیاری از آنان را به سوی خود جذب کرد ولی با گذشت زمان: مفاد این قرارداد کم‌کم از میان برداشته شد (بخصوص بند مربوط به تولید و پخش مشترک)

در دهه ۱۹۵۰ به علت زیانهای فراوان بر اثر سیاست کار جمعی اجباری، تعاونیها نزد افکار عمومی بی اعتبار شدند. دولت که از این امر آگاه بود در ایجاد بخشهای جدید تعاونی درنگ می‌کرد. تعاونیهایی که در سالهای بعدی تا اواخر ۱۹۸۰ به وجود آمد بدون دریافت کمک دولتی به کار خود ادامه می‌دادند. در سالهای ۱۹۸۰ با افزایش تدریجی دموکراسی، تعاونیها از حمایت مراکز حرفه‌ای و سیاستمداران برخوردار شدند. در فاصله ۱۹۸۰ - ۱۹۸۸ شاهد ۴۳٪ رشد در تعاونیها - بوده‌ایم. امانت دادن ماشین‌آلات به میزان ۵۰٪ افزایش یافت. دولت برای پرداخت یکسان یارانه به مزارع خصوصی و دولتی زیر فشار گذاشته شد. در طی ۱۹۸۰ تعاونیها به سازماندهی خود پرداختند. قانون جدید تعاونیها در سال ۱۹۹۰ گذارده شد که به منظور آن تعاونی عبارت است از: سازمانهای داوطلب که اعضای آن در جهت افزایش منافع مشترک، بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی و تصمیمگیریهای خودگام بر می‌دارند. برای تأسیس تعاونی نیاز به

اخذ هیچ گونه اجازه‌ای نیست و تنها وجود سه نفر برای تشکیل آن کافی است. این تغییرات در قوانین جمهوریهای نوپای دیگر هم دیده می‌شود.

### رقابتهای آینده

با وضعی که سال گذشته در یوگسلاوی پیش آمد. بعید نیست که جمهوریهای گوناگون آن هر یک سیاستهای کشاورزی خاص خود را در ارتباط با تعاونیها وضع کند. کاهش تعداد مزارع دهقانی نمایانگر تقلیل اعضای تعاونیهاست. امروزه بر اثر تغییرات تکنولوژی، اتحاد داخلی تعاونیها به خطر افتاده است. در راستای تغییرات اخیر یوگسلاوی چند عامل مخالف با مفهوم واقعی تعاونی وجود دارد. اولاً - تعاونیها متمایلند اعضای خود را براساس اندازه فعالیتهای کشاورزی تعیین کنند. این باعث تناقض میان تولیدکنندگان کوچک و بزرگ می‌شود. به آنها که در وضع اقتصادی برتری قرار دارند امتیاز داده می‌شود. این خلاف تساوی بین‌المللی است. ثانیاً کارمندان بخش اداری تعاونیها مطابق روحیه تعاونی آموزش ندیده‌اند که این خود موجب تناقض می‌شود. کارمندان خواستار دریافت مالیات بر درآمد بالاتری هستند. در حالی که اعضا برای تحویل محصولات خود خواستار دریافت حق بیشتر می‌باشند. به دنبال منابع سرمایه، افراد غیر سهام می‌خرند و تعاونی به صورت نیمه تعاونی یا تعاونی جانبی در می‌آید. در این مؤسسات حقوق در راستای تعداد سهام پرداخت می‌شود. این کار عملاً امتیاز افراد عضو به غیر عضو و یا به اصطلاح «یک رأی در ازای یک نفر» را از میان می‌برد.

برای احیای حرکت تعاونیها نیاز جدی به آموزش مدیران تعاونی دیده می‌شود در کشورهای اروپایی بلوک شرق - روحیه تعاون به مدت ۴۰ تا ۵۰ سال بر اثر سیاست سوسیالیستی و گروه‌گرایی در معرض حمله بود. رهبران تعاونی قبل از جنگ. اکثراً در گذشته و نسل جدید هیچ گونه تجربه به مفهوم واقعی از تعاونی ندارند. در نتیجه دهقانان کوچک بازمانده از خرابیهای دوره سوسیالیستی. به حال خود وانهاده شده‌اند تا در برابر کارخانجات بزرگ تولیدکننده و فروشندگان عمده و سرمایه‌گزاران از خود دفاع کنند این عوامل بی‌شک مفاخر تشکیل تعاونیهاست تأسیس مرکز مطالعات تعاونی یوگسلاوی خدمت بزرگی در جهت احیای روحیه تعاون و درک اصول تعاونی ارائه می‌دهد. به علاوه یک گروه منتخب کارآموز باید به منظور

مطالعه نزدیک از چگونگی سازماندهی و عمل تعاونیهای کشورهای مجاور راهی کشورهای همسایه شوند. این مرکز با انتشار نشریاتی تحت عنوان تعاونیهای موفق، به بیان کلیه امکانات همکاری به همراه مثالهایی از خارج کشور می‌پردازد. برنامه مراکز فوق شامل دوره‌هایی در زمینه‌های اقتصاد کشاورزی، اصول کشاورزی، دامپزشکی و جامعه‌شناسی خواهد بود.

به نظر می‌رسد عامل زمان به ضرر دهقان اروپای شرقی در ده سال آینده باشد این دهقانان خود را در بازار مشترک رقابت محصولات غذایی اروپا خواهند دید. آنها در حال حاضر ضعیفتر از آنند که با مزارع غرب اروپا رقابت کنند.

اکنون که دولت مشغول رسیدگی به بخش صنایع و دیگر مسائل است تنها یک مرکز آموزش تعاونیها می‌تواند در آفرینش کشاورزی نو در اروپای شرقی کمک مؤثری باشد کمکهای فنی بین‌المللی باید متمرکز بر دهقانان خرد باشد. سیاست گذشته در یوگسلاوی و کشورهای همجوار آن به سوی مزارع بزرگ و مراکز دامداری و دیگر منابع کشاورزی در اندازه وسیع تمایل داشت. راه‌حلهای مناسب برای تولیدکنندگان خرد شدیداً مورد نیاز است. به عنوان مثال تأسیس تعاونیهای حقیقی برای رسیدن به صرفه‌جویی اقتصادی از آن جمله است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی